

Perzsa. O.

Digitized by the Library and Information
Centre of the Hungarian Academy of
Sciences



Perzsa O. 36.



Perasa. O.

36.

Perza O. 36.



Persea 0. 36.



باب الالف پانصد و هشت لغت است

آب آتش سَرَنَك

بعضی شراب می باشد

آبِ كَشِّ

رکبای برک در فناء

THOMAS
1850

آباد

بای ایجد بالف کشیده

بعضی معمور و فوسه و نیکو و خانه کعبه و آفریه

بنا

آبادان

بای ابجد بالف کشید

بعضی معمر و فوسه

۱۷۴

مدرسه عالی آبادان

بیرا که به نامش در این کتاب است

۱۷۴

آبِ بَرِّ

بِسْكَوْنِ بَارِي الْعَالَمِينَ

دَمِ بَرِيْدِهِ وَبِحَبْرِ

مِنْهُ وَهُوَ رَحْمَةٌ لِّعَالَمِيْنَ

بَارِي الْعَالَمِينَ

وَالْبَرِّ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آبدان
بسکون بای اجد

یکه بانام از احوال سید باک

خوب و نوسه شان آدمی و ایناد نگاه

تک

بجز این

اَبْرَش

بِسْكَوَنِ بَايِ اَبْجَد

اَبِكِه بَر اَنَام اود اَنَاي سَفِيْد بَاشَد

بِسْكَوَنِ اَبْجَد

نَا اَبْجَد

بِسْكَوَنِ بَايِ اَبْجَد

بِسْكَوَنِ اَبْجَد

آنکون

بسکون بای ابجد

بینی آب رنگ

نور دل

مشق

شاید در این کتاب

آبَنُوسُ

بِسْكَونِ بای اِبْجَد

در فتنی سیاه که پیوسته بر آنسه گذرند بوی

فوسه دهد

نایب

بجای با نایب

نایب

آب‌نویسی

بسکون بای ابجد وضه نون

رنگ سیاه آبی و نیز اباهات کننده

و نیز کبود بنم رنگ

آب‌نویسی

بسکون بای ابجد وضه نون

رنگ سیاه آبی و نیز اباهات کننده

و نیز کبود بنم رنگ

آبواب

بفارسی

اسنادیکم است و در وی برافند و معنی کسی برهند

صفت

تاریخ مسعودی در این کتاب

فصل در بیان آداب

و غیره

تأیید

مجلس

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

NUMBERED BLANK PAGES

NUMBERED BLANK PAGES

أحداد طاری

هجری خرد و خزاوندی

ادوارهاوی

یعنی علم موسیقی

کتاب

دعوت به علم موسیقی

الأذن

بين آفة

عمم ابراهيم عليه السلام

ونيز نام بنى

نزهة لعلها آفة

نيز نام بنى

ادرس

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين

ادرس

بين آتس

بسم الله الرحمن الرحيم

آرام

الفواكه سفيد را كويند

آرام

مناجيب

آردستان

کارخانم ولایتی در حدود یزد

خط شماره ۱ خط بهره ۱ خط ۱

خط شماره ۲ خط بهره ۲ خط ۲

مذکور فوق

۱۰

بیمارستان

آرقام

مذکور فوق و غیره

کتاب جام عبارت از خطوط سبعه ۱ خط مور ۲

خط بشارت ۳ خط بصره ۴ خط فاطمه ۵ خط اشعری ۶

خط کاسه ۷ خط فردوسی و تفصیل اینها در حرف لها

مذکور خواهد شد

نالت

نالت

آرنج

بسکون نون وجیم ابجد

آرنج و بندگاه بازو

دانش در آرنج و بندگاه بازو
و نام های آنجا و نسبت و فاصله آنجا از شهرها

آرنج

در این شهر آب و هوا بسیار لطیف است و در آنجا

بسیار از صنایع و حرفه ها وجود دارد

و در آنجا بسیار از کسب و کارها و تجارتها

مشهور است

آزاد

بازای نقطه دار بالف کشیده

موزه ملی

راست و در ستا و نوعی از سرود و نوعی از سوسن

و نام جای ارمنجوانه و بیست و بیست و مجرد و رها شده

نقطه

بازای نقطه دار بالف

موزه ملی

آزاد آرا ده

مجرد و بی عذر

آ

همیشه سقا به زان ملحقه ز ان

ز سینه زان عرق زان عرق زان عرق

عشق زان عرق زان عرق زان عرق

آزده دوده

بیا درم و بیا درم
 و غیره و غیره و غیره
 و غیره و غیره و غیره
 و غیره و غیره و غیره
 و غیره و غیره و غیره
 و غیره و غیره و غیره

آزده

بیا درم

آزرف

میا و شرم و بزرگی و عزت و تاب و لاف مرد و محبت
 و غم و اندوه و عدل و انصاف و ظاهر و آشکار
 و سلمتی و راحت و قهر و غضب و تفسیر و کنایه و مجازی
 و زاری و گناشته و پاسه و فواطر نگاه داشته
 و نیز نام دفتر سرو برویز

مختار

تسبیح و دعا و نذر و توبه و کفر و ایمان و
 کفر و ایمان و نذر و توبه و کفر و ایمان و
 کفر و ایمان و نذر و توبه و کفر و ایمان و
 کفر و ایمان و نذر و توبه و کفر و ایمان و
 کفر و ایمان و نذر و توبه و کفر و ایمان و

NUMBERED BLANK PAGES

NUMBERED BLANK PAGES

آستان

یعنی درگاه

ایشکندری

بمنی کرسی و صندوقی

نالت

ولایت

آشام

مجموع و آشامیده و غوراک بقدر حاجت و نیز در لیس بایه

منزله و شمال بنکاله و نیز آب برنج پنجه

زینا

لبنه و کوزه

اِشْتَرَك

بمعنى موج آب

اِشْتَرَك

بمعنى موج آب
بمعنى موج آب

آشك

قطره و نیز نام پادشاه اشکانیان در فوسبند

آشك

پادشاه

اشكاليان

سلف سيم از ملك عجم

دنيا نوحى از عجم

اشكاليان

سلف سيم از ملك عجم

Handwritten text along the left margin of the page.

اشكائیان

مفسر سیم از ملوک عجم

در تیر تومی از عصر

ملک

در تیر تومی از عصر

آشهب

سفید مایل نیرکی و آب کبود

و نیز نوعی از عنبر

سپهسالار

میلادیه کابینه

بنده

آغاز

بفتح

یعنی ابتدا

بنده

القِنَّة

بفتح نون وميم

رند وفوسه لور

الفنج

بسکون فون وجیه ابجد

اندوزنده و جمع کننده

تفقا

تفقا

تفقا

آکین

یعنی محشر و نیز اباشته

نیشا

علاج میوه نیشا در کله

مغز کله

NUMBERED BLANK PAGES

NUMBERED BLANK PAGES

آمّه

اججد

بیهوشی شماره

در لایحه باشد همه خیز

انبه

سكون فون

ميوه بشکل شامه

در لغت و شامه بهم رسد

منه آ

ملجبا

نیمه شامه بهم رسد

آند

بسکون فون

کتابخانه

روسه و کتابخانه از اسب و علم و نام آتی از طریق

آنداز

کتابخانه از شیوه و حالت در ادب و فاعله

و در بکار

کتاب

آنداز کتاب

در کتابخانه از شیوه و حالت در ادب و فاعله

افندام

شکر و شمایل و زیبا و زیبای و ادب و فاعله

و کار بنظر

الف

شکر و شمایل و زیبا و زیبای و ادب و فاعله

و کار بنظر

انكاره

يعني نهيه امر

انكاره

قد نكح به يومه ما لم يكن له غيره ولا يوشك هذا

انكاره

اومان

مدامت و مواظبت امر را گویند

فان لا

ما یفید

آهاز

با یا ما الف کشیده

بمعنی خورس و خیز خور دنی

تلاش و عبادت

شالغوا

تیمار و عبادت الهی

آیان

بایا بالف کشیده

شکر خالهر و عیاره

آیان

بایا بالف کشیده

شکر خالهر و عیاره

ایانج
بکسرفون

مشتی که بر تپاوی کرده زند

زایا

همیشه سفال لیل

سایه ریخته

بیت
 کافیه

بیت کافیه

ایزاده

در قیاس کافیه ایزاده

ایماض

در خسته برده را گویند

قائدا

در خسته برده

تہذیب

مختصر تاریخ

NUMBERED BLANK PAGES

NUMBERED BLANK PAGES

باغ جهان آرا
 و
 باغ سفید
 و
 باغ زلفات
 و
 باغ کل افشان
 و
 باغ نو

باغ های معروف است در قزاق

در قزاق لیل
 باب

تاریخ و ...
 ...

بُتِ آزَرِي

کتاب از محبوب است به آرزو فوی می نویسد

بیت

لَا آتَانَا لِيَبْرُقَ

مَسِيْفٌ قَدِي

فَلَا نَلْمُكَ

فَلَا نَلْمُكَ

فَلَا نَلْمُكَ

فَلَا نَلْمُكَ فَلَا نَلْمُكَ

بِحَسْبِ نَجْمِ شَاخِ

کتاب از کف مرد سخن

بیاض

نور آیت

کتاب از کف مرد سخن

برطاس

روز آخر دویچی ارترکستانه

باغچه قطعه ماه الم سحر است

قلمی دویچی

قطعه ماه سحر است

سحر

برقندان

روز آخر شبانه که او را کلود فرانسوا نام نهادند

باغبان فقه دار لهم صبح است

قال الشيخ

سبحان من لا يشاء له الهلاك والدمار

ما وجدوا له من قبضه

سبحان من لا يشاء له الهلاك والدمار

ما وجدوا له من قبضه

بانه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

باشد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بَطْ

بعضی شرا و مرامی و شرای در حال شرای و میرمانی

شای آغوش خیب

آنکه خدی شای عطفه ای است که در بعضی

شای

بکاز

بعضی شراب و شراب غوره و بیاله شراب و میهمانی

بکاز

بکاز

بلاړك

کونړه لوله ماتېږي او د کونړه لوله ماتېږي

بلاړك

کونړه لوله ماتېږي او د کونړه لوله ماتېږي

شکله

بیشتر

بَلْبَلَه

کوزه لوله دار و صدا و آواز صرامی

104

تَبِيحًا

وَاللَّهُ يَخْتَارُ مَا يَسِّرُ وَيَخْفَى

105

NUMBERED BLANK PAGES

NUMBERED BLANK PAGES

ب

فوق مذمت در زیر و بم اوج و طیفه نغمه

سملات

بنگام چوبین

نام بستاند که منزلا شکر در زید و شبنم و

برده لب ایند بر غرضت انعام بوده او ایرو

و جویز کوبند

ب

بنگام چوبین

تاریف

بهرام چوبین

نام مبارزی که سردار لشکر فرزند نو شیدوانه
بوده بسبب اینکه لغز و فتنه اندام بوده اورا چوبینه

و چوبینه گویند

بسم

بسم در هر جا که و قلعه در لند و ستاره

بسم

بسم در هر جا که و قلعه در لند و ستاره
بسم در هر جا که و قلعه در لند و ستاره

بسم

بواب

عاجبه و در بامه را گویند

و نیز مری که غلط بخورد

نیمه

حالت عینه و نظره به هر چه پیش

و نیز مری که غلط بخورد

نیمه

بُوقَلْمُونُ

نوعی از دیباج رومی

و نیز مرغی که هر لحظه برنگی آید

بایجا

بایجا

بَيْتِ اللَّطِيفِ

فَاخْتَرْنَا

فَاخْتَرْنَا

فَاخْتَرْنَا

فَاخْتَرْنَا

سِفِيْلَةَ الْبَيْتِ

سِفِيْلَةَ الْبَيْتِ

بِيْحَالٍ

مَاتُوَاهُ وَبِيْحَالٍ

بیدار

نام شهری در ترکستانه

تالیز

کتاب چین سفید

بیدر

شروع از ممالک فراسانه

تالیف

مکتبہ مطبوعہ

بَبَدَق

فَشْرُوكُ تَعَالَى بِأَوْدِ تِلْكَ

كُنْ

بَبَدَق

بَبَدَقُ تَعَالَى بِأَوْدِ تِلْكَ

بدرنگ

نفسی که نفاشده برای استیجاب بدو نه زناهی برکافذ

کند

تلايد

تلايد من كتاب تاريخ ابي سفيان

تلايد

NUMBERED BLANK PAGES

NUMBERED BLANK PAGES

باب الباء الپارسی

فتح زای پاره دار

مورد و مانند که یعنی چراگاه

گفته شده نماید

پاژه

بفتح زای نقطه دار

کتاب

جوب دراز که بر ریکانه آلهه برانه نب

کنند شیار نمایند

معنی لیا ا لیا لیا

فنا پا

بلا بر شیار

پازو

کوشه دسی

پا

با حلقه در آن

بنا مالیه آما لیا در آن

میزان - بیشتر

پاکدانش

کتابخانه اذربایجان

پاکدانش

کتابخانه اذربایجان

پذرفتار

قبول کننده

مشاغل

تیمار

پر تَاب

بفتح جیم پارسی

بدور انراخته

لا ادر است سوی که از هم تو بر نه

التفانید

فتاوی

پَرچَه

بفتح جیم پادسی

تم باد که تقاضای در هر روزی و هر...

کاکل و دست موی که از علم او بزند

در هر کوی و آرامش و مستقیم

در بکجه و خارج کنند

بالتی

مستقیم

پرداز

قلم نازکی که نقاشان در جهره سازی و غیر آن
بر روی رنگ زنند و اسم مصدرش دوده و جوداده

و رفع کرده و آراسته و ساخته

و برانگینخته و فایز کشته

سایه یا مینو

سایه و مینو که در نقاشی

پرغازه

برزم طبر

تاریخ

تاریخ جامع ایران

تاریخ جامع ایران

تاریخ جامع ایران

تاریخ جامع ایران

فان لفظ

بیهوشی

پرکالہ

نخت و بارہ

NUMBERED BLANK PAGES

NUMBERED BLANK PAGES

پرکانو

بسکون زای پارسی

انکه شاخهای زیاده از درخت برداشل باغبانه

سین و غیره و نیز برنده استند اکو

هر کف بر نامه بر رفته تیغ

تورن و حتم برند دیو

پژمان

بسکون زای پارسی

بسی از نامه ایرانی در محال تا که در عهد

بسی عثمانی فتحعلی خان ملک شراکوبه

همی گفت پژمانه به برنده نیغ

توری و بختم نبرد در نیغ

پژمان

بسی از نامه ایرانی در محال تا که در عهد

بسی عثمانی

پرمکس

جنسی از جامه ابریشی در کمال نازکی و جوهر
شکر و فولاد جوهر دار را پرمکس گویند

دوخته بود

ناله

صاف پاره آن نام است

بسیار از جامه ابریشی

ناله نام است

ناله نام است

پرنیان

هر بر دیبای نقشه در زیارت لطافت و تراکت
 و نیز بعضی گفتند جامه رستم بوده که از پوسته پلنگ
 دوخته بودند

پرنیان

پرنیان جامه رستم بوده که از پوسته پلنگ
 دوخته بودند

پشان

ببینی پشانه

نالی

نالی نالی نالی نالی نالی نالی نالی نالی
نالی نالی نالی نالی نالی نالی نالی نالی
نالی نالی نالی نالی نالی نالی نالی نالی

پیشتر

برای کفوس کویت که منقور باشد

و آنکه از آن دورتر و جری که در آنه شهر و مینه

در سواحل برانته کنند

ناله

بسیار

پشزّه

بضه یا وسکون زای نقطه دار

بولکی که از طبع و نقره درست کنند بر سینه بدانند

و امثال آنه دوزند و جرمی که بردارند فیم دوفته

رسمانه بدانند کنند

نیش

نیش

پُف یوز

بضه یا وسکون زای نقطه دار

بیت فرج بونشو باشد در عمارت واد سنف همراه

کیکه لوف بی مایه زنده و کاری از و نیاید

تَشْتِی

شانه نیکو خنک است و در وقت و باده از کار و

خنک و باده از کار و باده از کار و

تسا عا لیا مالک

پلپوش

بیت نوع پوشش باشد در عمارت وانه سقف همواره

است که بطریقه بل بومی پوشند

پلپوش

بیت نوع پوشش باشد در عمارت وانه سقف همواره

است که بطریقه بل بومی پوشند

NUMBERED BLANK PAGES

NUMBERED BLANK PAGES

پندار

پندار فکر و تصدیر

دین زبانه شد

پهلوی

بهلوانی و نیز نام شهری که بجز

و نیز زبانه شهری

تلف

تلف

پوده
پیری

بیکر زای نقطه دار
بوی بوسیده که بدانه بضماده زده آتش گیرند

بانه زود بیکانه باشد

زیر

صفت در شایسته نامیده

صفت حیات زنده

پیازی

بکسر زای نقطه دار

بسیار در کتب کهن دیده شده

یاک نوع یکجانه باشد

پیازی

نوعی است از کلمات کهن که در کتب کهن دیده شده

پی سپر

بعضی روزہ و چیز نکلے کو بہا شدہ

بہا کیے

بہا ملحقہ روزہ ان کے

بہا کیے و بہا

پلِسَه

ابله و سیاہ و سفید بہم آمیختہ

پلِسَه

عند بیگانه نیوہ و سیاہ

پیل

بعضی فیل و نیز آونی از اوت شطرنج

پیل

نخبره چو بنفشه و پیل مازندران

سَلْبَالَا

سَلْبَالَا یعنی فیل قامت کرد

سَلْبَالَا

سَلْبَالَا یعنی فیل قامت کرد

پایان

تو بنده صف برامه قرار کرد

لاله

تو بنده صف

NUMBERED BLANK PAGES

NUMBERED BLANK PAGES

باب التاء القرشت

تا باك

باى ابجد بالف كشيده

دو کلمه تمام و کلمه اوله

يعنى بقارى

قایدان

فانز کراسی و بنجره کرده و جام شیشه و کاغذ صابونیه باشه

و نیز کلخه حمام و کوره آهنگر

تشنگان کتاب

شال

ملیشتک شال بیدانه

در این زمانه

تاج خروس

کل بدستامه افروز

تالیدات

باید بیست و نه روز در آب جویز و در آب لیمو

بگذارند تا آب آن را بنوشند

تالیدات
باید بیست و نه روز در آب جویز و در آب لیمو
بگذارند تا آب آن را بنوشند

تاریخت

بکونجه اجدد وقع زای مثلہ دا

یعنی بیکدیگر پیوسته و بسته و بافته

مقام زاده کی کرده

تاریخت

تاریخت

تاریخت

تجزیه

بسکون جیه ابجد و فتح زای نقطه دار

مطابق کرده که در نسخه کهنه

مقام زاده کی کرده

تجزیه

تفاوت تباها تسمیه یکتا

تخیر

خط سباهی که بر دوره کتابت طراد و نقشه کشند

تخیر

خط سباهی که بر دوره کتابت طراد و نقشه کشند

تخیر

Vertical text in the left margin, likely bleed-through from the reverse side of the page.

تُجَيَانَه

یا بذر یان وانچه تخم شمرده شود باشد

و امرود صا حبه بر سالک

تُجَيَانَه

تکلیف است و در کتابها و در کتب دیگر

در کتب دیگر

Handwritten text in the left margin, likely bleed-through from the reverse side of the page.

ترانه

بامطلبه اهل فقره قضیفی که سر کوشه باشد

وامرد و صاحب جمال

مذبح

بمطلبه اهل فقره قضیفی که سر کوشه باشد

وامرد و صاحب جمال

تر دامن

فاسحه و پنجواره و نیز کنایه

از چشم عاشق باشد

تذات

تذات است که از کیفیت فاسحه و نیز کنایه

دانه به دل

تذات است که از کیفیت فاسحه و نیز کنایه از چشم عاشق باشد

NUMBERED BLANK PAGES

تذكرة

بالتاريخ والرجوع

سنة ١٢٠٠

NUMBERED BLANK PAGES

تَرْسَامُ

بِعْنِ تَرْسَاك

تَرَكَ

بفارسى كلاه خود

ولكن

حالتى صفا

تاریخ

تاریخ و احوال

تاریخ انجم

کتاب از ماه باشد

تشیخ

بود که نقاشان باطلد ساعه بردارند

تشیخ

بود که نقاشان باطلد ساعه بردارند

تستویز

تستویز

تستویز

تستویز

تعمیه

بیزی رادر بیزی بنهاده کرده

بیزی

بیزی رادر بیزی بنهاده کرده

تفسیر

یعنی سوزانه

تفسیر

یعنی سوزانه

تکاور

باصطلاح تمامه انبیا را گویند
و نه از آن که در دنیا بقیامتند

نالت

مناجیه زبیدی

تکبیر

با اصطلاح نقاشان بردازی بود که در سایه سازی

و نازک کاری بر روی نقشها کنند

تکبیر

تکبیر

تذکره

تذکره ایست که در این کتاب مذکور است

تذکره ایست که در این کتاب مذکور است

NUMBERED BLANK PAGES

125

232

NUMBERED BLANK PAGES

تالما

بفتح اول

صوق است که مطربانه در تصنیفات می خوانند

تلاوه

برگ است در لغت تلاه با شانه گویند

در بعضی قلم و کتابه در لغت و شانه آمده

لهجه

تاوه اکتفه

تاوه اکتفه در بعضی لهجه است

تنبول

تنبول

برخی است در هندوستانه بانه گویند

و بعضی فلعه و کبابه در هندوستانه آمده

که مطر بانه خوانند

تنبول

تنبول

تَه دُرْنَا

تَه تُرْنَا

بعضی یکی گفته باد و نیز فرموده شد و نیز همین

در بعضی از این صوت و تصنیفی باشد که

و نیز گفته اند که مطربانند خوانند

که در کتب یاد داشته اند

تَه دُرْنَا

بعضی یکی گفته باد و نیز فرموده شد و نیز همین

در بعضی از این صوت و تصنیفی باشد که

و نیز گفته اند که مطربانند خوانند

که در کتب یاد داشته اند

تَنَك

تَنَك

یعنی یک تنگه بار و نیز فروار شکر و نیز بمعل
 ولوی از بد شاه و نام مقامی از ترکستان
 و تبرد گانه عصاره و نیز نواری
 که بر کمر چهار وا بستند

لَنَاءُ عَمَّة

لَنَاءُ عَمَّة

لَنَاءُ عَمَّة

لَنَاءُ عَمَّة

تند
و
تومند

بغنی کاهل و تنبل

تند

تند و تنبل
تند و تنبل
تند و تنبل
تند و تنبل

تَنِينٌ

بين يابسة اژدها اکریند

ولای قوما سے بیہم۔۔۔

تَنِينٌ

تَنِينٌ

ولای قوما سے بیہم۔۔۔

توشه
ته

فهمیده شد که در بعضی نواحی از قزوین و طبرستان و...

مصر و نانی که در بعضی نواحی از قزوین و طبرستان و...

بعضی پایبند و محقق تا که در ورشکانه کاغذ

ولای قماسه بهم رسد

زینت

سینه کلاه

تُونْدِي

فهمیده نشد فونه بسمین شبات تونزی دغلی باونزارد

مصرع ثانی لهم دروزنه ناقص است ولهم لفظ افتاده

دارد و فضا

تونی

تونی دغلی باونزارد

دارد و فضا

تذکره

در بیان احوال و سیرت و مناقب ائمه اطهار علیهم السلام

و در بیان احوال و سیرت و مناقب ائمه اطهار علیهم السلام

و غیره

NUMBERED BLANK PAGES

245

250

NUMBERED BLANK PAGES

باب الجيم الابدع مع الالف

جام

نام حاکم ننه از ولایت سند

و نیز نام بسرفوج

جام جَمِين

جام جَمَشِيد

جام كَمَر و بِيَتَكِرَة ز اَهْمَا

جام شَرَاء بَاشَد

سَفَا لِه و مِه بِيَتَكِرَة اِهْمِيَتَكِرَة

و لِه

سَفَا لِه و مِه بِيَتَكِرَة اِهْمِيَتَكِرَة

و لِه و نَزِيد

جام جهان بین

جام کیمیا وینا که از انجا

استخراج مجبولات کرده

مجموعه

تالیفات

تالیفات

جامِ هِلالی

بوده اقلول بکل کائے معکوس است

یا در مورد باجهان باخدا

شیرینا لیبیو

لجانه ایشیا

در کتب و نسخه

جانا جان

کسر اول و فتحی تالی فرشت مع تشدید

کنایه از یکی بوده

بانه فرد با جانه جانانه

تاکلمه و چه

تاکلمه و چه لایحه نامه

جته

بکسر اول و فتح تاي قرشت مع تشديد

بکسر اول و فتح تاي قرشت مع تشديد

بکسر اول و فتح تاي قرشت مع تشديد

تاليه لاله

تاليه لاله

تاليه لاله

جذبان

بفتح اول

بفتح اول

بفتح و فط رزوه و عطرت و كناه نذر بکر اول

یعنی گوشه

تنبیه

بفتح اول و تشدید ل و فتح مائه اسلا

بفتح اول

جرعه دان

بفتح اول

مقه و قوی باشد

ترجمانی که از بحر مانده گیرند

ملج

دانه آینه

دانه آینه که در چشم انداخته شود

مستجاب

جرمانه

بفتح اول

بینه جرمانه و با سید کویک فریسی

در سجای که از بحر ماه گیرند

در زیره اندوا بر شیرانه الوانید که ماه و لسه از ترند

در سجای و زردکی شود که انوار شد

ناله ناله

سند ناله

جره

زین هر جانور و باز سبید و کویک هر چیزی
 و شجاع و دلیر و جمله و با یک و سازی
 و نیز قره از توابع شیراز الا شکر که ماده اسه از زین رشید
 و شجاع و بزرگ می شود که امتحان شد

مذکر

مذکر

مذکر

جبریه

کلیه یعنی دفتر و فرد و نیز تنها

و نیز نیزه کوچک قلند راه

جبریه

کلیه یعنی دفتر و فرد و نیز تنها

و نیز نیزه کوچک قلند راه

کلیه یعنی دفتر و فرد و نیز تنها

و نیز نیزه کوچک قلند راه

جَزَع

سنگی مخطوط سیاه و سفید شبیه مجرد چشم

و نیز کنایه از چشم

قَبُول

لذت‌بخش و شیرین

عاشقانه و صمیمانه

بانی

مستطاب بنی بیهاب لفظ من

مستطاب بنی بیهاب

NUMBERED BLANK PAGES

NUMBERED BLANK PAGES

جعفری

نوعی از ما

در سده سکندهری کوی

ایرورد کفجه وافعی وجعفری
که بارهه بپراول کنج نینک اثر دری

جفل

سجده کر یعنی لغت اجماع کرمانجی

نایب و

تفنیج

لغات و

بیان و

تفنیج و لغت اجماع کرمانجی

تفنیج و لغت اجماع کرمانجی

جلاجل

بسم اول

سپه‌های کویبیت و مقله‌های کویبیت

برای آستانه دایره دق

پادشاهان و بزرگان اول و اول و اول و اول

دشمنان و کینه‌ها که در کس با هم بنشینند

کلیله

و استغاثی

جناب

بکسر اول

برودم خنده بر روی خاک کینه و خنده بر روی جبهه کینه
 بهر بی آستانه در بی خانه و نیز بهر بیسانی که بر کرده
 چاره و ایندند و بفتح اول و ضم اول دامنه زبده
 و تسمیه زکاب و کروی که دو کسی با هم بندند

رایج

صیغه صیغه صیغه صیغه

صیغه

جندره آرد

بهری قلم تازه بر روی عطا کشیده و بفارسی خوب کسده
و ناز کشیده و نیز بویکیم بجهت گرفته رفوت پوشیدنی

تراشد

بالتی

کله اسکی

کله اسکی کله اسکی کله اسکی کله اسکی

کله اسکی کله اسکی کله اسکی کله اسکی

کله اسکی کله اسکی کله اسکی کله اسکی

جهان آرا

باغی است در هرات

فان...

منه...
تاریخ...

منه...

جواد

بفتح اول و نون

اسب را گویند

چون فرسیده بایم و پیر را گویند

در لیس میزند گویند

برقادریدین ایسکی بود کورت

قبیله ای لارا یکی جوانه فی قوت

آن آن لیس

دانه دانه قند انیس

جوانه

بفتح اول و نون

بجمله نور سیده بهایم و طهور را گویند

در لیبی مجنونه گویند

یوقاریدین ایکی بود کوت

قیلدی لارا ایکی جوانه فی قوت

جوگی

ریاضت کس و مرشد لهندوانه

و پسر شاه به امیر تیمور

تذاریج

تاریخ شاهان صفویه

تذاریج انبیا و اولاد نبی صلی الله علیه و آله

و ائمه اطهار علیهم السلام

تذاریج سادات اعیان و اعیان القوی

تذاریج سادات اعیان و اعیان مدینه

جمله

یعنی شرفان

و آری اسم فاعل

کلمه

ما لفظ شرف است

یعنی شرفان

و آری اسم فاعل

و آری اسم فاعل

و آری اسم فاعل

جیحون

رودخانه معروف

و آمویہ آسہ لم کوئند

مکتبہ

مکتبہ

NUMBERED BLANK PAGES

NUMBERED BLANK PAGES

باب الجیم الپارسی

چار بالیش

تکائی که بر اطراف گزارند

چاپون

که در وصف شب است در لیل مجنونه میباشد معنی لفظ
 غارت میباشد و چاپونچی بمعنی غارتگر آمده اما اینجی معنی
 نمی بخشد در حقیقت لویسکل است فحیده شده و منها

۴۳۵
 در لیل امین

در شب

در لیل امین

چارتازب

نوعی از الجود بر فاصله
رموز فضا را هم گویند

تاریخچه

تفاوتها شب و روز و شب و روز
تفاوتها در آن است که در روز
شب و روز و شب و روز

چازق

رز دوزن که در کربانه و اطراف دامنه فضا به بکار بند

و خود فضا به راهم گویند

ناله

ناله

چرخ

یعنی معلم بر مشعل که منبت است

بیت

بیت اول نظم است از ابی طالب علیه السلام

بیت دوم نظم است

چرکس

طایفه که در شمال داغستان

تاریخ

تاریخ دولت روسیه

چُست

زود و جالوك

زود و جالوك

زود و جالوك

چفانه

قصیده شعراهم با

شبی

قاصد

قال

منه

NUMBERED BLANK PAGES

NUMBERED BLANK PAGES

حاله

باب الحاء الحطی

حال

حالی که میسر بولور اول می نیاید خوشحال

بنویسند که دم ترک را گویند

بینه و یک

دیب ایردینک جان بیدای اولسانک یقشقی اول عمل

کدا سلطانقه ییکای جز کدا بیغ او قشام حاله

وضا

حاله

که در چهار دیوانه در به دو فرود است

حالی که میسر بولور اول می نیلا خوشحال

یتو چون که رقم قیلما دیلار عمر غه حاله

بیت دید

دیب ایردینک جان بیدرای اولسانک یتشقی اول عملک

کداسلطانغه یتکای جز کدالیغ اوتساشم حاله

دونها

سقطه لالیلار

بانه

تیاره

حاله

حالی

در اینجا ت معنی لغت مزبور بمعنی دم مرک میباشد
و لغت فارسی است برای توضیح عرصه میشود
لفظ حال بمعنی دم مرک است اینک های هوز باخر
لفظ آورده است آخر غزل ردیف های هوز بوده
بسبب ایبه حال می گویند لفظ حالی لشم که در فرد مزبور
میباشد بمعنی فی الفور آمده در اینصورت معنی درست می آید
یعنی آلوده فی الفور که میسر میشود با انه می فوسه های
و محکم است لفظ نیو موده در اینجا بمعنی سبب است
یعنی بسبب اینک رقم نکردند بهر آلوده دم مرک را
و مقدر نشده است که آلوده باید مرد پس باید بسبب ایبه
بامی ایبه دم افوسه حال کرد و نشاد نمود و فرما

حاله

حالی

حالی

حالی

حالی

حالی

حالی

حالی

حالي

اراسته وفي القوم

حاله

ما لي في حاله وفي حاله
 ما لي في حاله وفي حاله
 ما لي في حاله وفي حاله
 ما لي في حاله وفي حاله
 ما لي في حاله وفي حاله
 ما لي في حاله وفي حاله
 ما لي في حاله وفي حاله
 ما لي في حاله وفي حاله
 ما لي في حاله وفي حاله
 ما لي في حاله وفي حاله
 ما لي في حاله وفي حاله
 ما لي في حاله وفي حاله

حَرِش

بمعنی ضایع و نابود
لاکونه

رِأَلَه

مغفالتی و متلا

حَرُونُ وَرَنْك

کنایه از بزرگ فیله و منی و نیز اسب و قاطر میوه

را گویند

شیر

ببیند و آن را گویند

فلاح

مجلس العلماء و ائمه و مشايخ طائفة دارالدين

خبر

حسرو رنك

کتاب از ماه

حمیری

لباس جام است که بطرح حصیر یافتند

نکنه قشنگ

دانه درون

تذکره

تذکره

NUMBERED BLANK PAGES

NUMBERED BLANK PAGES

حَظِيرَةٌ

راغب المحوطة وفانة آذربايجان

حق کوی

مراغی است که اورا شب آویز لہم کویند

قذیخہ

ذندہ لہم

حَقِّه عَقِيق

کتاب از شاه محبوب

حَقِّه عَقِيق

کتاب از شاه محبوب

حما

تا ساگویند بمنی همایت لهم آمده و نیز کل سیاه

تقیقه

بیت

حوش مايبان

ضایع و بی معرف

له

بسیار از آنکه در این کتاب

Handwritten text in the left margin, likely bleed-through from the reverse side of the page.

حوض ماهیان

کتابخانه نام موضعی است در اهواز

شرح

نام موضعی است

حوْلان

بفتح اول وواو معالوم ورسكون

كناية از نور و زه و باج و خراج ساليانه

بين كرده اگر در سديق محوط

تاليه له

تاليه له

حَوِيلِي

بفتح اول وواو معلوم و سکون یا

یعنی کرد اگر د سر یعنی محوطه

نکته

بفتح اول وواو معلوم و سکون یا

بیت
بیت

بیت

NUMBERED BLANK PAGES

NUMBERED BLANK PAGES

باب الحاء فقطه دار
خاراسم

کتابه از اسب سنی - فنا -

خاوه کاو

خاوه پرکاو

خاوه قاشاک

کنایه از شک برونشک تراسه

داه ملحقه لال

مقاله

تلفظ صحیح به از اینها

الاقوال

والايقان

من كتاب...

خاشه

بخدمت...

موقف خاشاك

خاکی

بکنوع تبری که آزاد آماج فانه بر نشانه اندازند

و نیز اید با یاد و درک و برده و خرد و جوار

و گوید بزرگ و درود و تسبیح الطیب

مشاله

عانه نفع

خال

عم وراثت و شتر بزرگ و شتر سیاه و نیز برد یابی
 و نیز ابری باران و برف و برفه و نخوت و جامه نرم
 و کوه بزرگ و مرد غیب و ضعیف القلب

خال

مذاهب و مذاهب و مذاهب و مذاهب و مذاهب

خامران

قلم و شایه و کند و سیاه و بعبق جرم دباغت نکرده

و کرباس نشه

ماله

باید از زرد و سیاه و کتان و شایه و
از زرد و سیاه و کتان و شایه و
بلفا زعفران و سیاه و کتان و شایه

خاوران

دوین از فراسه موله کلیم انوره

وله

تغذیه و بی نظیر ساری و نیک و بلا و...

نشان بوی

Decorative border on the left edge of the page.

Decorative border on the right edge of the page.

خاوند

محقق خداوند یعنی صاحب مولانا

خاوند

صاحب مولانا صاحب مولانا

خَراس

بمنضم ساز

بقره

کام به کام و بیادمان نشنا

روزانه

در روز

NUMBERED BLANK PAGES

NUMBERED BLANK PAGES

خریشته

سرفی است فیم و فرگاه آنکه کریمه

روان است

خریطه

مذنی است از پوسته و غیر آن که همزی

دراجه نهند

تشیخ

الاف

مکتبہ

کتبہ اسلامیہ، شہزادہ شاہجہاں

لاہور

خسر و چین

کتابہ ارفاق

خسبک

فردی که در آب را گویند در افران

آب ببرد آب برآید یا سندانها را امتحان کند

نیمه سینه

بانه آید

خسبانه

فانه باشد که در تابستانه فارشتر و نفس در اطراف

آه بیده آب برآه باشند تا هوا را خنک کند

خِشْت

یعنی باد زنه

که یا نشیده شود

خِشْت

خِشْت باد زنه است که در کتب آمده

است که در کتب آمده است که باد زنه

ذرا پیر

بهر آنچه را گویند

که باشد شود

شبیخ

حانه پیر

ذخاف

زهر فائل - اكوند

ذخاف

زهر فائل - اكوند

ذخاف

NUMBERED BLANK PAGES

DE

368

NUMBERED BLANK PAGES

راسو

جانوریت اور امور سے متعلقہ ماکویند

رُخْوَت

پاغچه و باغ و ماچیناج بوشیدنی زان

در تمام جای و بفساد

فَسَد

خوبی که نه در تمام است

باب رَحَبَةُ

دَشْتِ مَرْمَرِ

باغچه و باغ و نیز میانه سرا و بای فراخ

و نیز نام جای در بغداد

تَهْمَنُ

تَهْمَنُ

باب الرءاء القرشت

رشته مریم

رشته خرقه حضرت عیسی که حضرت مریم تا بدیه بود

رشته

رشته خرقه حضرت عیسی که حضرت مریم تا بدیه بود

رشته خرقه حضرت عیسی که حضرت مریم تا بدیه بود

رَفْرَفُ

آنکه است که بوجه برافه مانده هفت رسالت بناه را بمقام

قاب قوسیه رسانند

تشریح احوال الابد

توجه منتش

در عین دل بر آنکه کلمه کلمه گفته است

رَوَاقُ

بیدگاه خان و ایوانی که مرتبه دوم ساخته باشند

و نیز بمعنی خانه و سرا

رَوَاقُ

بیدگاه خان و ایوانی که مرتبه دوم ساخته باشند

و نیز بمعنی خانه و سرا

NUMBERED BLANK PAGES

قائمة

مكتبة جامعة القاهرة

الطبعة الأولى

NUMBERED BLANK PAGES

باب الزاء نقطه دار

زابلستان

محققه آناه سرور یعنی سرور داشت

بین سیستانه و نوابه آه و آه راعه نیم روز هم

کوبند

زاد سَرُو

بزرگوار محقق آژاده سرو یعنی سرو راست

در زمان اول از سر سبز

باز مطبقه انال بل

فالتسلیان

بزرگوار محقق آژاده سرو یعنی سرو راست

بزرگوار

زاغ

بوکلای بیاهی که در گوشه در زیر میله کنارند

و نیز قوی از موسیقی

۳۸۳

شاید در بعضی موارد است

زاک

جانوریست که عربیست زاج است که

در تمام الف از آن ظاهر می شود

زاک

زاک از الف و ک و ز است که

در تمام الف ظاهر می شود

زرافه

جانوریست که از اشته و کاو بلفک گویند

و نیز نام الق از آلت شطرنج

خان

شاه

زرد مغربی

کتاب از آفتاب و نیز زر فالس

مقاله

تبعاً کتب و کتابخانه

در کتابخانه

زَرِّینِ غَزَّالُ

بکسر فای نقطه دار

آفتاب را گویند

ملق که در جهان خوب مشهوره و در این خانه نصب

گنبد

بفتح فای نقطه دار یعنی روزگرف

بِیْرَقَمُونِ

مکانی که در این خانه در آنجا

زُلفین

بکسر فای نقطه دار

کار از یک سایه

حلقه که بر چهار یوب صندوقه و در ب خانه نصب

کنند

بفتح فای نقطه دار یعنی دوزلف

مال شریفین

تیمار بنده

زمر درنگ

کتاب از بنک سایه راه وقفه خوات
و نیز کتاب از سخنان بی قطع در حق و کفر
در پای کرده و لوف زده

زینت

اهل الحقیقہ فی سب

بسیار نامه بیست و نه در حق و کفر

سنگ

نقشه و رسم اهل الحقیقہ در حق و کفر

زنج

بمعنی افسانه کونی سخته سراسر وقصه فوای
 و نیز کنایه از سخنانه بی نفع و بی معنی و لهرزه
 درای کرده و لوف زده

نکات

مبدا کتابت

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي هدانا لهذا الذي كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

والحمد لله الذي هدانا لهذا الذي كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

والحمد لله الذي هدانا لهذا الذي كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

NUMBERED BLANK PAGES

NUMBERED BLANK PAGES

زَنخِ زَدَنُ

کنایه از زناشیده موی زنج و نیز بعضی لوف زنده

زَنَكَ شَبَّ زَنَكَ

کتابی بمغنی شد و نیز لهم آمده

نَامِ خَلْقِ

مغنی نامی زهم بود و نیز لهم آمده

زَنَكِي شَبِّ وَفَكِّ

کتاب از ستاره رفل باشد

در سفره باخته جیده بسود

فَكِّ

کتاب از ستاره رفل باشد

در سفره باخته جیده بسود

زواله

کنده ضمیر را گویند که یک یک

در سفره یاخته جیده میشود

نکته بیشتر

شبهی باقی مانده است

ماله

صوبه کلمه نیکو بیند
عقبه عیب تقوی بنده

زور

نام ولایت در حوالی کمرانه

زورق

طالع باشه و نیز زره فلقه جوسه

زورق

طالع باشه و نیز زره فلقه جوسه

زولانہ

کسر نای نقطه دار و فتح کاف پارسی
 زنجیری که بر پای مجرمانه خزند و بای
 دیگر بالفت کشیده و کسر عین نقطه دار
 یعنی دانه ریزه است که در میانه انگور بهر
 وقتی که آب انگور با تخم میریزند از آن جدا شده
 آب می شود

در چهار دیوانه گوید

کوشه میخانه دین گلشن عه بارمان کیم مکه
 کل اوزده نسری می کلرنگ اوزده کوب بالی
 خورده در نایفان او مفرق آید لفت بسیار
 اینک در فرود فرود برود را کفتر بجهت و زده
 فرودند کل شبیه شود علی ایضا دیوانه مجاز بسیار

شده

بسیار گفته اند از آنجا که شبیه است

زیره کوب باغی

بکسر زای نقطه دار و فتح کاف پارسی
 و و او معلوم و سکون بای اجد و بای اجد
 دیگر بالف کشیده و کسر ضین نقطه دار
 یعنی دانه ریزه است که در میانه انگور به هم رسد
 وقتی که آب انگور را بچم میریزند آن دانه ها در روده
 آب می شود

در چهار دیوانه گوید

کوشه مینخانه دین کلشن غه بارمان یکم منکا
 کل اوزه فسری می کلرنک اوزه کوب باغی بس
 فله در قابضات انه معرفت ایه لغت بسیار بسته شده
 اینک در فرمود فوسه زیره را نکشند بچینه و زره شعر
 فرمودند محل شبه شود مای از چهار دیوانه بخاطر رسیده

زِيلُوچَه

بيني نايچي

زِيلُوچَه

وچي پورے لاتیجی، ال خلقانہ ان رسیک
 چار دیوہ دیوار لایک کس و علیہ اے
 ال خلقانہ من مفسدک، لیکن کتا لایک
 سیکر، سیکر، سیکر، سیکر، سیکر، سیکر
 ال خلقانہ ال خلقانہ ال خلقانہ
 ال خلقانہ

سید کا ایسا لکھو

کتنی پرکاشی لایک لایک لایک لایک لایک
 ال خلقانہ ال خلقانہ ال خلقانہ
 ال خلقانہ ال خلقانہ ال خلقانہ
 ال خلقانہ ال خلقانہ ال خلقانہ
 ال خلقانہ ال خلقانہ ال خلقانہ

مچھلی

چیلان

زندہ

بین بارہ

مبلغ

در این تاریخ

ايجاز مشهور جدا البين السبب في ذلك
 كسب كوزين لساء ابراهيم كجمله لمن وسرور في كل وقت
 بينا انفقنا استغنى به في الدنيا والآخرة
 و... بطرقة اعدت من فخرنا في كل ايامنا
 ... به من الكرم في الدنيا والآخرة
 ... في الدنيا والآخرة
 ... في الدنيا والآخرة
 ... في الدنيا والآخرة
 ... في الدنيا والآخرة
 ... في الدنيا والآخرة
 ... في الدنيا والآخرة
 ... في الدنيا والآخرة
 ... في الدنيا والآخرة
 ... في الدنيا والآخرة

نیتای کردون شبستان نبدانجم فی شفق ایچرا
 شفق کون می فی سوزمای ایچکوم اولسا زیره کوب باغ
 در بعضی نکاتی که در نظر کتاب حضرت امیر نظام الدیه
 عای سیر الملقب بنوای نوشته سه از عربی و پارسی
 و کنایات بنف در کاه حدیث داشتیم که ایبه چهار صد
 و بیاضد لفته را در نیت کتاب چهار دیوانه میراث توجیه شد
 نذاکر منظوره حضرت لفته نویسی بودند آنه او از ایبه
 اجل بود که بایه اختصار کوشد بعد که بدقت مطالعه شد
 اکثر ایبه لفته را در چهار دیوانه که خرابیه الصف
 و فوائد الثباب و بدایع الوسط و فوائد الکبراسی
 انباشت در اسما بنظم آورده ندیدیم آنه در نظر کتاب
 نوشتند که فوائد را در معنی معطلی حاصل نمود
 رجوع بایبه لفته نمایند

بنیای کردون شیبستان به انجمن شفق ایچا
شفق کون می فی سوزهای ایچا کرم اولسا زره کوب با

در بعضی نکاتی که در ذکر کتاب مقرر است امیر تقی میر

همان شبیه الملقب بنوالمی نوشته شده از عربی و پارسی

و کتابت یافته در کاه مبدی داشتیم که امیر میر

و با نقد لغت و در وقت کتابت بسیار دیرینه برانگیخته

تا که منظور از حقیقت لغت نویسی بود تا به اوان امیر

امیر میر که باید به اقتضای کوشش بعد از وقت مطالعه شد

از امیر لغت را در حیات ویرانه که خرابی لغت

و قرار است به ویرانه توسط و قوی را کثیر اسامی

ایمانت در استقامت نظم آورده به بیجا آمدن در ذکر کتاب

نویسند که قویانند و با در بعضی معانی حاصل نموده

برای با سه لغت نماید

در بعضی نکاتی که در ذکر کتاب مقرر است امیر تقی میر

NUMBERED BLANK PAGES

NUMBERED BLANK PAGES

باب السنين في نقطه

بگردد و در وقت ساری

نقطه باشد غلط است بلکه غلط باشد که آنرا

بماند شهری در مازندران

سحرخانه باشد که کوهی است که باشد که سحر

و سفید است در صبح و شب و زراعی در شرق

خوب است سفید در روز و سیاه در شب و قوی است

الافقه میزخانه هم همین تکرار باشد و در

ساغیزغان

اینکه در فرد نقشه نوشته شده های هوز که در آخر
 لفظ میباشد غلط است بلکه نقشی میباشد که آخر
 یا میباشد ساغیزغانه لهم یعنی نقطه زیاد شده
 ساغیزغانه میباشد که کلاخ ابلوه باشد که سیاه
 و سفید است نذر علی و نصیر و فراغی در ست
 فکیند سفیدی را بروز و سیاهی را بسبب تشبیه کرده
 اند لفظ سیزغانه لهم بمعنی نگارنده میباشد و منها

ملحق از بیتاب

تعالیه

ملاحظه شود

سایه علوی

بین نام نویسی مانند باهای پارس

قام جبرئیل

برای درخت را گویند

قاله نیکول

نقار، بکنند و ده عنق است و شقایق و کبک

نقار اما سداب و شقایق است، الحقد سداب الحقد

نقار اما سداب الحقد حیرت است و نقار سداب

نقار اما سداب الحقد حیرت است و نقار سداب

نقار اما سداب الحقد حیرت است و نقار سداب

نقار اما سداب الحقد حیرت است و نقار سداب

نقار اما سداب الحقد حیرت است و نقار سداب

سَبَاغ

بعضی نامه خود سه بیاضه بابای پارس

برك درخت را گویند

در پهلوی

بسیار است

سَبْرِخَنَكِ يَارَه

کتاب مشهور یعنی اسب کبود در فرس

برداشته بهرام که نظم کرده

قلب

در سال ۱۰۰۰ در شهر تبریز

نویسندگان مشهور

سَبْعَه سَيَّارَه

کتاب مثنوی حضرت امیر علی شیر در فقه
برداشته بهرام کور نظم کرده

سَبْعَه سَيَّارَه

بهرام کور

سپری

لب الیوسف یعنی بشکل مدور است

قالت الحقیقة

سفره بین راه جدا شده و صفت با آن
در آنجا که در راه است

سراج

لقب ابوسف سراج که از شایخ است

سراج

لقب ابوسف سراج

سراج

و حید و یکتا و ستاره کویک شد و هر چه علم

لغت بر او در زک هم استعمال می شود

فلسفه

فلسفه عبارت است از علم

سَرَّة

بی عیب وینکودان تمام عیار و شقه و هریر عظم
 لغت مزبور در زکی هم استعمال می شود

السری

عربی است

مست

و نه بیهوشی و نه غم و نه اندوه و نه غم و نه غم و نه غم

و نه غم و نه غم و نه غم و نه غم و نه غم و نه غم

NUMBERED BLANK PAGES

NUMBERED BLANK PAGES

سُقْلَاب

بین هند و ایران از ممالک شمالی

سَقِيفَه

ببین مقم و از این است سَقِيفَه بنی ساعده

ب سَقِيفَه

ب سَقِيفَه بنی ساعده

سَقِيمٌ

بجاء وناخوسه را گویند

سَقِيمٌ

معدن را سَقِيمٌ گویند

سکلابی

فرد در حال بنی سکه آبی در قلعه شوش

سکلابی

بنی سکه آبی در قلعه شوش

سَلَّاسِلُ

قلمه در موالی کرمانه شاه و قلمه نوشته

سَلَّاسِلُ

قلمه در موالی کرمانه شاه و قلمه نوشته

سَلْطَانِي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِاسْتِكَادِ سَلْطَانِي

مَنْ سَلَّمَ وَأَمَدَ بِنَانِي بَرَدَ كَرَامَتِهِ
 أَوْ الْقَيْسِ مَدْفُوعِ نَامِ قَدْرِهِ مَانَعْتَهُ وَبِضَائِقِهِ
 أَوْ مَا لَمْ يَأْمُرْ قَدْرَ بَرِّهِ أَرَادْتَهُ مَعْرُوفَ كَرَمِهِ
 أَوْ مَا لَمْ يَنْهَ عَنْهُ سَلَّمَ وَرَحِمْنَا قَرِيبَ الْمَلِكِ

سَلْطَانِي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مَنْ سَلَّمَ وَأَمَدَ بِنَانِي بَرَدَ كَرَامَتِهِ
 أَوْ الْقَيْسِ مَدْفُوعِ نَامِ قَدْرِهِ مَانَعْتَهُ وَبِضَائِقِهِ
 أَوْ مَا لَمْ يَأْمُرْ قَدْرَ بَرِّهِ أَرَادْتَهُ مَعْرُوفَ كَرَمِهِ
 أَوْ مَا لَمْ يَنْهَ عَنْهُ سَلَّمَ وَرَحِمْنَا قَرِيبَ الْمَلِكِ

سَمَاءُ

بِسْكَونِ نُونِ

بِسْمِ سَمَاءِ بِنْتِ كِهْلَانَ

مخفف سماء و آنه بنائی بوده که برای نغمه آید

امرا القیس معروفه نام قصری ساخته و بفضا نام

اورا از بام قصر بریز انداختند که کرد

از انوقت برای سماء در عقب ضرب المثل شد

سَمَاءُ

سَمَاءُ بِنْتِ كِهْلَانَ

سُورَةُ الرَّحْمٰنِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الرَّحْمٰنِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سوس آزاد

باخت سوس خدیجه

سوس آزاد

باخت سوس خدیجه

سَيْفُورٌ

بافته ابریشی بسیار لطیف

عالم آفریننده

بیت

سِيَّهٔ تَاب

آلت فولود یکم بی بوهر باشد

سِيَّهٔ تَاب

خطایب یکم بی بوهر باشد

بالتعميم

منه عيون في معرفة المنايا

NUMBERED BLANK PAGES

NUMBERED BLANK PAGES

باب الثَّيْنِ الْقَرَشْتِ

شَادِرُوَان

بجای دیگر نوشته

بین سایه بان و پرده بزرگ که در پیشه ایوان
ملوک کنند و نیز نام لحنی از سی لحنه بارید

شباب

جواب و جاهل را گویند

شاید این نیز گویانند

نشره‌های بی‌مثاب

نال و نیک

یا مسیحا که در قفسه‌ها

بگردد و بی‌مثابان

شاه جوگی

مرشد و مرثیه هندوانه و نیز پسر شاه نوح

شاه به امیر تیمور کورگانی

بالت

سنگار و شاه به

شاه کاروز

کار بزرگ بی مزد

تکجهت

کتاب بی نام و نشان
فلاک و غیره

شب اندر روز

بکند با یکنوع جامه است در طیف

تلاک

تلاک

شَبْنِي

يَكْفَعُ بَاقَةَ اَيْتِ بِيَا نَاذِكِ وَالطِّيفِ

شَبْنِي

شَبْنِي

شد

باصطوح 2 طریقه ابتدای نغمه باشد

شد

نغمه دادن به دست و تنه و مینا

شربتِ

بافتنِ سیسافی باشد که بسیار لطیف و نازک

فستق و زعفران و زرد و نار

تفت

شربتِ سیسافی و زعفران و زرد و نار

شَرزَه

یعنی درنده شَرزَه شیر یعنی شیر درنده و نیز

نَشکِیه و بِرَقوَتا و تَبز دَنزاه

شَرزَه

عَنْزَه بَنکَه بِنِیَا شَرزَه دَنزَه

شَعْبٌ

بِعْنِ شُرُوشِ

فَأَشْرَفَ

بِهِ عَذَابٌ بَيْنَ رَجْمٍ بَيْنَ عَذَابِ عَذَابِ نَارٍ
عَلَانَةً نَارٍ تَنْقَرُ بِسِكِّينٍ

سَعِيدٌ

سَعِيدٌ

شَغَبْنَاكَ

بَيْنَ نَوْرِ الْكَيْزِ

تاليفه

تكملة

NUMBERED BLANK PAGES

887

484

NUMBERED BLANK PAGES

شِقَّة

بکسر اول

باینده در صاحب جمال

انچه از جام بر رازی بریده شود و نیز پارچه
 تکافه و نصف هر چیزی هرگاه تکافه شود
 و نیز پارچه درازی که برعم و نیزه بندند
 و بضم اول یعنی نایبه و پیشانی و نیز دوری
 و سفر دور و منقّت

شکيل

بابه وصاحب جمال

شکيل

بابه وصاحب جمال

در اين نيزه است ميدي نازي و جينا نيزه
 و نيزه نازي و نيزه نازي و نيزه نازي
 و نيزه نازي و نيزه نازي و نيزه نازي
 و نيزه نازي و نيزه نازي و نيزه نازي
 و نيزه نازي و نيزه نازي و نيزه نازي
 و نيزه نازي و نيزه نازي و نيزه نازي

ششم

فصل اول

بوی خوشه و نیز چاره را گویند نوعی از با افزاز

بودن سینه که فاشه با قلم مد بر روی

فصل ثانیه

لیخت

بالج بدله تبار

شُتْمَان

بضم اول

باصطلاح خطاطان شتر است که در قد نفند

برواز سایه که نقاشی با قلم روی پرزوی

نفسه ها کنند

ش

باصطلاح خطاطان شتر است که در قد نفند

شَمَرَه

با صطلوح 2 خطاطه هنجاریت که در فقه تلف و نسخ

در حرفهای الف و نونه و غیره نویسد

قاله

بلا اتم

در فقه تلف و نسخ

شَمَرَه

شمشانه

موفق سامانه نوعی از ضمیمه کوبک

شمشانه

کتابخانه ملی ایران
تاسیس ۱۳۰۲ هجری قمری
تهران

شَطْرَس

مَسْعُود

آبِغْنَه سِيَاهِي وَغَبِيَه بَكْبَكِه

بَرَسَه وَرَكْبَه بَكْبَكِه

بَنَمَاقِي نَرِي اَز مَقْدُونَه

مَدَلِشَمَه

وَبِهَا بَغِيَه وَرَكْبَه بَكْبَكِه

بَرَسَه وَرَكْبَه بَكْبَكِه

بَنَمَاقِي نَرِي اَز مَقْدُونَه

شموس

بفتح اول

بموسه و سرکه را کوبند

بضم اوله نوعی از قندهار

شموس

بموسه و سرکه را کوبند

شَنْعَت

جایگاه کبر یعنی - سوانی اوست

و نیز در وقت سرد

شَنْعَت

دَلالَت

تغییر میگردد - مریه

و در وقت سرد

شَنَكُ

مبارکی که برای تخم نگاه دارند

دیز درخت سرو

شَنَكُ

دیز درخت سرو

شتی الله

بعضی کدایانه باشد و نیز در مقام تحسین

استعمال میشود

فلسفه

فلسفه و الا...

عبر...

مقاله

مبحث الفقه و الفقه و الفقه و الفقه

عنه

NUMBERED BLANK PAGES

202

506

NUMBERED BLANK PAGES

باب الضاد في نقطه

صَدَقَ كَارُ

بيني آوازده درجه است

بيني نفاً

صَلَاةً

بِخروج ياد یعنی آواز و دعوت لباس کند

مَلْحَقَةً بِالنَّهَابِ

الْأَشْمَلِ

مَنْ تَمَّ

باب الصندل باه دار

ضرب راست

یکنوع بافتنی است که از سجان لباس کنند

کتاب از ضرب دست راست

تذکره قال ضربا بالیمین

نخله

تیمور و ذراع آفتاب

باب الضاد نقطه دار
صنرب راست

کتاب از ضرب دست راست

قادر عالی ضرباً بالبعید

بسم الله

کتاب از ضرب دست راست

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين

والصلاة والسلام على من لا نبي بعده

وبعد فالله اعلم

باب الطاء المؤلف
طاق طرب

درسه و فرود سره که باشد و عنبره باشد

باب الطاء المؤلف
طاق طرنب

بوسه و فروسه که با ساز و عشرت باشد

طَبْرُخُونُ

شهریکه در بحر بین عناب و حبه خیز است
 و شکر عقیق دارد و در لغوی از برشته و کارگاه
 یافته جاده گدای فاضل و نیز فی شکر و کار خانه
 شکر زنی و تقسیم آب و آرایسه و تقسیم کار
 و نیز درینجا و بکسر اول در عربی جاده عمودان
 مزیه است

سَفَايَةُ الْحَالِي

بَنِي هَارَةَ

سَفَايَةُ الْحَالِي بَنِي هَارَةَ

طراز

شهریکه در حدود حیمه است و همه خیز است
 و مشایخ خوبی دارد و ولایتی از بد نشانه و کارگاه
 بافته جام لقای فاخر و نیزنی شکر و کار خانه
 شکر ریزی و مقسم آب و آرایسه و نقشه نگار
 و زیب و زینت و بکر اول در عربی جام عم وانه
 عربی است

طراز

طراز

طَرطُوش

کسر اول و سکون را و فَا

و یونی از فربا زبیه

اسم بیل راک و نیز جوان بزرگوار

تایله

تدا نیه مسمه تدا مسمه مسمه مسمه
الانام ماسفیه با آسمان و ماه با فیه مسمه
تاده لاهک فایه مسمه مسمه مسمه مسمه
المسمه مسمه مسمه مسمه مسمه مسمه
مسمه مسمه مسمه مسمه مسمه مسمه مسمه
تدا نیه مسمه

طرف

بکسر اول و سکون را وفا

بمن زودخانه

اسب نيله رنگ و نیز جواب بزرگوار

بشیرینه

بمن بینه را فرود

شبه
 لفظه لفظه لفظه لفظه لفظه

علاوة على ذلك

طبری

بعض زونازة

طريد

بين جنك و نبرد

طريد

بين جنك و نبرد

طناز

لهزل و شوقی کننده

طَنَازُ

لهزل و شوقی کننده

طَبْر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طَبْر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طیار

فوطه در مهینا و آماده را گویند که در

پوشند تا که فرو کرد

نیل

نیل

طیلسان

فوطه وردانی که بردوسه کبرند و جامه که بر سر
 پوشند تا کمر فرو گیرد

تایله

تایله

في السليبه

حرفه في السليبه
بالحرفه في السليبه

NUMBERED BLANK PAGES

232

536

NUMBERED BLANK PAGES

باب العين بی نقطه
عامه

در این باب در مورد حروف و قیام و غیره و آنچه
 در آنجا برآمده از هوی آب گذرند و دست
 و نیز دست غله در دیده و مانند سایر
 و در این باب در مورد دریا و کشتی و سایر
 و در این باب در مورد دریا و کشتی و سایر
 و در این باب در مورد دریا و کشتی و سایر
 و در این باب در مورد دریا و کشتی و سایر
 و در این باب در مورد دریا و کشتی و سایر
 و در این باب در مورد دریا و کشتی و سایر
 و در این باب در مورد دریا و کشتی و سایر

عجوز اس

زنه پیر و مرد زنه جوانه و قبیله و زینیه و آسمانه
 و آفتاب و خلوفت و دست راست و تیر و شتر
 و دروباه و کرک و کفتار و کاوز و ماده سگ
 و عدد هزار و جهاه و دریا و کشتی و ناچه و ساز
 و نوبه و کرسنه و عابز و شجاع و نیردانه و سپر
 و کمانه و هربه و هرب و رایت و لشکر و پلای چشم
 و پینتم و بت و شراب و سراب و لقاله و آفتاب
 و ضمیمه و دینار و زره و زنه و دیک و داد
 و زبیه و سال و یاد و سموم و زلها و فوسه
 و فوره و بیخ و قبضه شمیر و درخت خرما

ملحقه به این کتاب

مذکور

مذکور به این کتاب

مذکور به این کتاب

عَرَّاس

که در این محله است نام مرغی که تا صبح نیندازد

زیاد کند و زیاد فر باشد

عَرَّاس

حال آن بیدار بلیغ عالیج مذکور در حد
 نشاء این فصل نشاء تقییدند بدلتان
 طبعه که از اول انشاء ظاهره و بلیغ
 نشاء بلیغ نشاء بلیغ بلیغ انشاء
 بلیغ عالیج و بلیغ بلیغ نشاء بلیغ
 نشاء بلیغ نشاء بلیغ بلیغ بلیغ
 بلیغ بالقاء بلیغ بلیغ بلیغ بلیغ
 بلیغ بلیغ بلیغ بلیغ بلیغ بلیغ
 بلیغ بلیغ بلیغ بلیغ بلیغ بلیغ
 بلیغ بلیغ بلیغ بلیغ بلیغ بلیغ

عَرُوسَانْ

که در لیلی مجنونه است نام مرغی که تا صبح نمیخوابد

فریاد کند و منها *و میگوید*

عَرُوسَانْ

عَرُوسَانْ

عَرِينَان

عنه با بعمنی بیسه و بسکل

کندونه

با بعمنی بیسه و بسکل و در تیره و بسکل

لهنه و بسکل

عشق پیمان

عشق باشد که بردن بی

نیمه

نیمه

نایب المشی

حجرتن سیرت پر خطہ

ملاولا

سور و غوغا

مَلَانِ بَرِّ

مَتَاك بَا سَد

مَلَانِ

مَتَاك بَا سَد

عَلِّ وَقَوْلْ

نفسه صوت مطر بانه صوت

بانت صوت

بانت صوت

عَنْكَل

اصله عَنْكَل كَيْبِكُ صَحْبَتِ اَوْفوسِه نَباشد

نَاقَةُ رَاة

مَدَالِغِ شَهِيْدِيْنَ

لا

بسم الله الرحمن الرحيم

NUMBERED BLANK PAGES

NUMBERED BLANK PAGES

باب الغين النقطه دار

عُرْش

صدى عظيم

غائب

بیست و ششیر را گویند

الاعمال الحقیقیة ان یغالب ال

شأنه

و یفقد حاله

غشراز

تتبعه بر دو قلای بوال را کوبند بر جامه پانته

بنا

تتبعه بر دو قلای بوال را کوبند بر جامه پانته

Handwritten text along the left edge of the page, likely bleed-through from the reverse side.

غرداش

آنیکم بولاقانہ برانہ آقا۔ برجامہ باشند

نامت

بیشمار باجه

غزو

فی باریک که در کنار نهر هاروبید

شاهنامه

مستوفی بزرگوار

Handwritten marginal notes in red ink along the left edge of the page.

غَزَال

آفَنَاب وَاَلْهَو

عَمَّة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

102
 1
 2
 3
 4
 5
 6
 7
 8
 9
 10
 11
 12
 13
 14
 15
 16
 17
 18
 19
 20
 21
 22
 23
 24
 25
 26
 27
 28
 29
 30
 31
 32
 33
 34
 35
 36
 37
 38
 39
 40
 41
 42
 43
 44
 45
 46
 47
 48
 49
 50
 51
 52
 53
 54
 55
 56
 57
 58
 59
 60
 61
 62
 63
 64
 65
 66
 67
 68
 69
 70
 71
 72
 73
 74
 75
 76
 77
 78
 79
 80
 81
 82
 83
 84
 85
 86
 87
 88
 89
 90
 91
 92
 93
 94
 95
 96
 97
 98
 99
 100

غلو

بفارسى لهجوم

دالیند

عاقبت

مَثَلَةٌ

فتح اول و ضم اول

كلوله باشد

گرفته کرده

مَثَلَةٌ

گرفته شده

Handwritten marginal notes in red ink along the left edge of the page.

غنج

بفتح اول وضم اول

نام قایم است نامیکه درین نام ولایت در حوالی

هرات که سرشته کرده است

غنج

نام قایم

Handwritten text along the left margin of page 564.

غور

نام طایفه ازنا بیکه و نیز نام ولایت در هوای
 هرات که منسوب بآه طایفه است

غور
 نام طایفه ازنا بیکه

غور

غیچک

بمن کمانچه میا که معروف است

غیچک

دانه، دانه، دانه، دانه، دانه، دانه

دانه، دانه، دانه، دانه، دانه، دانه

تذکره

تذکره

NUMBERED BLANK PAGES

NUMBERED BLANK PAGES

باب الفاء النقطه دار

فَالْ نَخُود

فانوسیت که بهای شمع بیکرد

فایست که زنانه فالگیر بینند وانه بر دوازده

نخود می شود

فانوس خال

نسخ اول

فانوسیت که بهوای شمع میگردد

برواته و نیز بر دکان که در دوره فصل کس

و نیز کل آب آورده بکسر اول کسند و شمع

در شمع باقی ماند و نیز در دکان زیاده

عاشقنا الفالی

و خوش آن

عاشقنا الفالی

و خوش آن

فراش

بفتح اول

بفارس باد سرد و سوز خاطر

بروانه و نیز پردهای که در دروه قفل کنند
 و نیز کل آب آورده بکسر اول کبستر و تخم‌های که
 در شراب باقی بماند و نیز دورک زبانه

فراش

بفارس باد سرد و سوز خاطر

فراغ

بفارسى باد سرد و سرد خالط

شادان

بانه

بفارسى باد سرد و سرد خالط
 باد سرد و سرد خالط
 باد سرد و سرد خالط

فَخَارَ

لَا أَرَابِيهَ وَأَرَا سَنَكَهَ قَامَه

فَوَالِهَ

لَا نَفِيهَ وَبِأَسْمَكَهَ قَامَه

فشی

بسم اول

کاکل اسب و پیرامونه دلگانه

مکتوبه در بیان سوغات آستان قدس

در تبریز و ارومیه

الف

کتابخانه امیر کبیر

فوره

بضم اول

کناره دریا و سوراخ آستانه در ب

و نیز سوراخ دوات

شفت

حلقه حبابی در بالا

NUMBERED BLANK PAGES

۳۰۰
۴۰۰

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

NUMBERED BLANK PAGES

قلاش

کلمه قد با شنی سرو سامانه

مناکم گذشت

قدر

هکم قدر باشد ورد نشود وفادار اندازم گویند

دست کنند بختانکم گذشت بزمایند

بیکند چرا که بصرایمان

شامه

ما را...

قرآبه

بضاعت اول

صراحی و جوهر سرشته نسیم را جود کرده
 درست کنند لهذا آه را کالی بفرایه نسیم
 میکنند چرا که بصراحی ماند

قاله

نسیم را جود کرده

بفرایه نسیم

قَطْوُ

بضه اول

عورالهم کوبند که خوب فوسه بونی است

میزان

مکانه در می خنده خوبه و اوله
 بیت و اینها و اوله و اوله و اوله
 ناله و اوله و اوله و اوله

قفسه

قفسه دکانه برزانی باشد سوارانه و شکر

ملفه

ملفه منج

ملفه منج به پهلوانی که در آن

قیروان

سرحد مغرب است و نیز گروه سواران و لشکر عظیم

مستوفی

خداوند قادر مولا

ناله پیره

تو کت و مال و ملک و ناله پیره

NUMBERED BLANK PAGES

602

603

NUMBERED BLANK PAGES

باب الكاف التازی

کاج

نام کلان یاقوت فوسجی

سیلی و طبیانچه که بر روزند و نیز آبکینه

کارزی

کارشده

نام کلی باشد فوشجوی

مغز کارشده

مغز لثان و لثان

زلا

نیکیا بزه مغز و مغز بکلیه

كأورندك

كأورندك

كأورندك

كأورندك

كأورندك

بمعنى كاور

باب کبریت ادسی

کبرک

رز خالص

بمن شال ویز جام و شراب که مشوه کبرک

یا

فان لا

فان لا

فان لا

فان لا

باب الكاف الپارسی

كبركي

بمعنی شال و نیز جام و شراب که منسوب کبرانه

باشد

تیبیج

مقاله

کبوتر دم

کتاب از شراب سرخ عمارت بنام

نویسنده

کتاب لیلیا و لیلیا

نویسنده

کتاب بیست و یک باره و بیست و یک باره

نویسنده

کتاب

انجمن بر دوره طالع و دیوار و عمارت بقام بنی
نویسد

نویسد

نویسد

کتون

جام ایت ارجس کناه کلفت ز از کناه

در کمان کرده از آن

کتون

جام ایت ارجس کناه کلفت ز از کناه

در کمان

کج کر و هه

کلوه ابته که از کج سافه

در کمانه کر و هه اندازند

نایبلا

نایبلا از تنگه کمانه سافه سافه

بجک

فلاں و نیز رنجی که در دم ارونک باشد

تفویذ

تفویذ الحی

تفویذ الحی

نذری

سید شاهانہ صاحبہ کی بیوی

NUMBERED BLANK PAGES

NUMBERED BLANK PAGES

کدجاول

لغاه کنکول بانہ

کدو آمروند

نوعی باشد از آمروند
تفیس آب سردانه و گرم فیس در نارس

نارنگ

نارنگ نارنگی

کُر

رودخانه بزرگ باشد در آذربایجان از بهلون
تفلیس آید بشروان و لقمه بنید در فارسی

تفلیس

تفلیس

کرفز

کراتی

شکوه و طمطراق

فلسف

نکته

تالیفات و تصانیف در این باب

در این باب بسیار است

کَرْد
کَرَانی

بانه و صفت و قایل

غلام سیاه باش

۳۰۰

سالمه و نک

گرامند

بضم اول

با قدر و قیمت و قابل

فجیع و فکار و فیسور

انج

فانج

شبی و ای - جمع

کربوز

بضم اول

در فبیت و قطار و صیقله و در کتاب دیر

بفتح اول و سکون اوفا عهد در نظام

مشهد

دایره تحقیق

کتابخانه

بضم اول

کتاب

محمد در نه فرسخی لهران کتبه کاتب دیده

بفتح اول و سکون اوفا محمد در بغداد

کتاب

کتاب

کتاب

کردن بالیش

دعای بالیش در روز بیاض

که بخواند و گوید و بر او برسد

نیکو

باید

باید که در روز بیاض

بخواند و گوید و بر او برسد

کردنامه

دعای باشد که از برای بیداشده
 کربخته دکم شده نویسند و نیز نقشه نیکه

نشان بدهد

نقشه

مذکورہ

مکتبہ عالیہ اسلامیہ دارالعلوم
 دارالافتاء دارالحدیث دارالکتاب

NUMBERED BLANK PAGES

NUMBERED BLANK PAGES

کردیزدی

یکفع بافته و بسیار نازک که از خانه خانه بافته
و ز نامه آرز معجز کنند حضرت امیر گوید

کردیزدی معجز آستیدین فاشینک ای کور کا با
بار آنینک دیک کیم کورونکای کرد ایچیدا یا انکی

كرك

يعني كركه

زده نيزه

تغیر ناله در آواز غنچه بلیغ تمام و مینویسند
بسیار جدا تنفس سنگین از آواز ناله
تغیر از ناله که در ناله است از ناله ناله
تغیر از ناله که در ناله است از ناله ناله

کری

یعنی کراہ

کری

یعنی کراہ

کریاس

طاهر آستانه و والوه خانم و غیره

کریاس

طاهر آستانه

کروهه

طعمه کلوله هم از قوب و قضا و ضمیر و ریسامه و کل

رندانی

از قوب و قضا و ضمیر و ریسامه و کل

کتاب

غده و غیره و سنه جاروب با شکر و نیز زخمی که
 در دست و پای شتر بهم رسد و نیز زمین گشته
 و نیز امده چونه دکسبه بکسر اوله زیر بغل
 و گوشه دراهه زردوسی کوبید چرک افشا نکند
 بزکسه

کتاب

کتاب در طب و جراحی

کش

خوب و خوشه و نیز ستاره رطل و نیز زخمی که
 در دست و پای شتر بهم رسد و نیز بھمن کنده
 و نیز امده جوده دلکسه بکسر اول زیر بغل
 و گوشه رانه فردوسی گوید هر کفت نرگفته
 زیر کسه

کَلَّالَهُ

زلف و کاکل

شکله

کرمی زلف و کاکل از آنست که زلف و کاکل
 کرمی زلف و کاکل از آنست که زلف و کاکل
 کرمی زلف و کاکل از آنست که زلف و کاکل
 کرمی زلف و کاکل از آنست که زلف و کاکل
 کرمی زلف و کاکل از آنست که زلف و کاکل

کَلالَه

آواز: سوزانہ و پیر القہر کونامہ

کَلالَه

کَلالَه

کَلْبَانُكَ

آواز مؤذنه و نیز آواز کشیده هر که کیرانه

کَلْبَانُكَ

کَلْبَانُكَ

کتابتہ

بہری پنج و نعب و بفارس خانہ محفہ

کتابتہ

ماریہ کتب خانہ کتب خانہ کتب خانہ

کلفند

بروز کلفند مردم نازاشیده و نیز مرد قوی لیکن

کلفند

بروز کلفند مردم نازاشیده و نیز مرد قوی لیکن

NUMBERED BLANK PAGES

NUMBERED BLANK PAGES

کل نافرمان

کلی که بنفشه نیم رنگ است

كل حاجة كل

بانه ابره ينفوع بدينه

كله في الراج

فدا عدا في مستفاد

کتاب

با فقه ابرینی منقحه بالواحه مختلف

کتاب

با فقه ابرینی

کفاه

نام یکی از آوات نظریج

در خیال همین نیک

کفاه

مقتله با ایام مستقر شد

کتاب

روزنه ادب هريك دست و پاى آدم بگسرونه

در سه الخيال بعين نيك

تكملة

فيلك شمس: ادب: ۷۶

کهن

بند اول

نفره صفائی

نقطه که کوه بیاید

بند

نقطه که کوه بیاید

نقطه که کوه بیاید

نگون

بضم اول

از آن است که در تابستان آید هوا را گرم کند

بهم اول و مخفف کوه کویا میباشد

در آن دجله برسد

ناب

فایده ندارد

کوار

ابری باشد که در نایبانه آید هوارا کرم کند

بفتم اول بی تشدید سبک باشد که با او فاج

و بیوه و غیره برید دارند

نیل

دانه امین

شاید به نام او گفته

كُفْتُ

باصطلاح القل نفم مخالف باشه

دین لاشه

کوهه

زره باشد و نیز موج آب و صمد و نهیب که مخفف کاه

و بمنی کالهسه

کوهه

مذکر قتلان به خوارکها و عطله

کیمف

بوست سفز

نمک

لاشفه کیمف، نمک، باغچه نمک، شکر، نمک

مسک، زنجبیل

تاریخ

۱۳۰۰

NUMBERED BLANK PAGES

NUMBERED BLANK PAGES

باب الام

لاده

بیرا نانی و پادشاهی و زردی و قتل و غیره

یعنی سبک ماده و نیز بی عقل و اصوم و ابله خفته ابر

کوبه

قیلور مبالغه کوب عشق و بادیه ترکید اشپ

مینی هم ایستار اوزی ینکلیغ ایلاکای لاده

لابه

برب زبانی و با بلوسی و فروتنی و تملق و عجز و نیاز

و فواکسه و فریب و بازی داده

کتاب اول

۲۲۰

تو که با او می‌روی و با او می‌نویسی و با او می‌نویسی

بیا

بلی که با او می‌نویسی و با او می‌نویسی و با او می‌نویسی

و با او می‌نویسی و با او می‌نویسی و با او می‌نویسی

لاشہ

مردہ حیوانات جارجیا

تاریخ

یوں ہی ہے کہ وہ قاتل و شکار ہیں۔

انہوں نے یہ بھی لکھا ہے۔

لُطْفُ الشَّمْسِ

بِرَبِّهِ سُبْحَانَ مَا يَشَاءُ بِأَمْرِهِ

وَيُخَوِّفُ بِأَمْرِهِ

نَشِيدُ

لِلْأُمَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ

بِحَضْرَةِ مُحَمَّدٍ ﷺ

أَعَابِ الشَّمْسِ

أَعْيُنُكَ بَارِئٌ

بهریت سفید که در شرت کرمان مثل تار عنکبوت

در هوا پیدا میشود

سُفَا

سُفَا

لُعِبْتُ بِأَز
لُعِبْتُكَ بِأَز

بِأَزْ

شَبَّ بِأَزْ

سَمَّيْتُ بِأَزْ

سَمَّيْتُكَ بِأَزْ

سَمَّيْتُ بِأَزْ

لك

شورده و این صد هزاره دست کرده

البشیرا

البشیرا

البشیرا

لکن

شعر دانه و طشت کوبی که در راه دست کوبند

شلا

شعر دانه

لنخ

خرام ازوه نان

نخ

نخ ازوه نان

لوچه

بضم اول

برنده بقدر کجک درن موده بالوانه دیکر

شده کرمانه تا چنانه بفتح اول استخوانه

دیز گشته شده و زاناکه کردانیه

3

کتابخانه

لوح

بضم اول

طایفه کور کور طایفه کور طایفه کور کور کور
 شدت کرمای تابستانه بفتح اول استخوانه
 و نیز تهنه شده و رنگ کردانیده

لوح

این مایه مایه مایه مایه مایه مایه

لؤلؤ

طایفه کرد کوچها و خانها خواننده کی و کدانی کنند
 و نیز بعضی نازک و ظریف و نیز در هندوستانه فیه وفات
 را گویند

قبا

قبا

قبا

قبا

لوند

الصل سالی باشه ویزرنه و بی باک ویزرنه فاض
 ویز بسربکار وهرزه ویز شاکره وهدت کار

لوند

ستاره لوند لوند لوند لوند لوند لوند
 لوند لوند لوند لوند لوند لوند
 لوند لوند لوند لوند لوند لوند

مقدمه

مقدمه

مقدمه

NUMBERED BLANK PAGES

217

716

NUMBERED BLANK PAGES

باب الميم

مات

فإنه كما أتت في قوله وعلقه لول

بين مضمون شدة مرفق درباری

ماء ماشوره

ماء خردگر

في باشد که با آه آب خوردند و مطبوخ لوله

و نیز فوعی از بازی

ماء کتب باشد

میلاب

شال

دندان فیه مثل جبهه فیه

ماه خِرکاه

و ماه خِرکِه

ماه هاله دار

ماه مُقنَع

ماه نخب باش

فروشده

ماه سکه سینه با آهالو کت پونا

مذنبه ده پونه

ماوی خیال

کی یعنی کبود

کلامت

نیمت

کلامت

نیمت

نیمت

ماویٰ پنجال

کبود نیم رنگ

تغییر

میل رنگ

مَالِ الْخَيْزُرِ يَوْمَ لَيْلٍ

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

مَثَابَةٌ

دَامَ كَاهُ صَيَادَانَهُ

میشال

بستر یعنی نهالی

میشال

بستر یعنی نهالی

مخافه

چونکه با منم باشد

مالش

ماله منم باشد

مخوز

بویکه بانه خیرین کنند

مخوز

بویکه

مدفور

رنده درهند بزرگی طولی برکای الوان دارد

شکل آن به این است

287

287

287

287

NUMBERED BLANK PAGES

NUMBERED BLANK PAGES

مقر

بفتح اول

بمقام فاطمه سوره

عقد پنجاه کبرای شماره زر مقر است

مراغه

بضم اول

بخاک غلطیده شود

بر کوبیده المراق اکتساب نماید باقی

و باقی زبده و فایده المراق باغچه

در زمین بپوشد

تم

تا اتم

تداوم نماید تا اتم

مرز

بضه اول

پس آنکه بر شاه

بعربى كزیده المراف انكشاه برانه باآفتك

وبفارسى زميه و فاك و اطراف باعجه لها

و نیز بعضى بوزه

مقار

بیت حیلان قاله

سرزبان

رئیس آتش پرستانه

نور

باغ آفتاب

دانش آریه ایی

لایحیون

عربی

تالین

ماتریه

مَرغَنی

موضع از مرزهای هرات

مُستَغَل

جانی که غله از او بگیرند

مستغزل

جانی که غله از او بگیرند

مساوئ

مناجات مسنون

مناجات

مناجات مسنون

شربت

نیم شکر

مشرب

ظریف و بهر زبان آشنا

مُطَبَّق

موضعی ابریشمی نقشه

بیت

نقش ابریشمی نقشه

مُطَرَّرٌ

یعنی راه بافته شده و منقعه و مزیه

مُطَرَّرٌ

مُطَرَّرٌ

تاریخ

روزنامه مسقط و عمان و سایر جزایر

NUMBERED BLANK PAGES

727

756

NUMBERED BLANK PAGES

مُطَبَّرِي

زلف بریشانه شده مه لره بمن زلف

مقامات

باصطلاح اهل نغمه نواهای موسیقی کهن

فرد نقشه را در عهد کهن در عهد نغمه کهن

نغمه

نغمه نامی است که در عهد کهن

مُقَرَّنَسْ

بگونه نقشه باشد فرناسا المجلد یعنی بین کوه
 همان نقشه برآمده کی را در عمارت فرانس گویند

تالیه لقه

نقشه تالیه لقه

مقطع

یعنی قطع زود

مقطع

و این قطع زود را در بعضی
 کتابها قطع زود و در بعضی

ملاء

بوزنه اصل شرایب زنده

در زمانه سابق و لغزیده

ملاء

بوزنه اصل شرایب زنده

در زمانه سابق و لغزیده

مَلَس

فایه بروه کنیده و سخت رانده

دیز جای صاف و لغزنده

مَلَس

فایه بروه کنیده

مَلْسَا

لهجيز صاف و هموار را گویند

مَلْسَا

مَلْسَا را قضاة عابداً میگویند

و نیز نامی است از

ملنك

نشنه نكته بي سروبان برافره براد خواء
مخالفه ديز نام بانه انكفت بانه زرد

لسله

نيزه نكته بي سروبان برافره براد خواء

منصوبه

نشنه نقشه در بازی فواه موافقه مراد فواه

مخالف دین نام بازی از لطف بازی زد

ناله

ظهور یافت

منقاش

دوبه و فراضیکه با انه سرشوم کیرند

منقاش

دوبه و فراضیکه با انه سرشوم کیرند

منقاش

مَهْ خِرْكَه نَشِينُ

ماد هاله دار و مجنونه فيمه نشيه

رَشَلَقَنَه

مَدِيكَلَا - مَادِيكَلَا - مَادِيكَلَا

مِهْر

برستارات

نیت کلام

بیت بیست و نهم

NUMBERED BLANK PAGES

295

780

NUMBERED BLANK PAGES

مَجْه

بفاسه نفا عم

مهر بادامه

مهرت بشو بادام ساخته شده

مهرت بشو بادام ساخته شده

مہل

پوشیدہ نقل و مہلت با شہد ما کرم

و نیز در آفتاب رستگار

تذکار الیوم

من تغلب و در یادگار

مؤبد

که در محل نوشتند موج بعضی قباب با سبب است که
 بوزنه قبیل دانشند و علمیم ما کم بکم
 در و نیز در آنسه بر ستاره من لغزیه است
 من ایبه فردا بخت اگر باد نوازند چشم نمود
 لغزیه است ای نواز شکو که کوه محبوب
 موج او بیانشه و قرآ گرفته است بوجه پای آدمی
 با قلم نامه سزا باشد و همراه موج که قباب یا
 باشد بند و متصل است یعنی اگر بایت لغزیه است
 اما انه موج و قلم در کوه محبوب می باشد میرتو ایم
 برای لاجل فرودند و بسیار معنی آسانه است و معنی

مؤبد

شبه تسلیم

موجی

که درینجمل نوشتند موج بمعنی قاب یا میباشد که
 در ابراه ترک لها فریوه گویند و لفظ تا یلیب لقم که
 در فرد میباشد بمعنی لغزه میباشد یعنی لغزیده است
 معنی ایه فرد اینست اگر بای نواز شده هم نمودت
 لغزیده است ای نوازی شد که در کوی محبوب
 موج او میباشد و قرار گرفته است بوجه پای آدمی
 با قلم راه سوا میباشد و همراه موج که قاب یا
 باشد بند و مفصل است یعنی اگر بایت لغزیده است
 اما آن موج و قلم در کوی محبوب می باشد حیرت دارم
 چرا لایحلی فرمودند و بسیار معنی آسانه است و درها

موجی

که در ابراه ترک لها فریوه گویند و لفظ تا یلیب لقم که
 در فرد میباشد بمعنی لغزه میباشد یعنی لغزیده است
 معنی ایه فرد اینست اگر بای نواز شده هم نمودت
 لغزیده است ای نوازی شد که در کوی محبوب
 موج او میباشد و قرار گرفته است بوجه پای آدمی
 با قلم راه سوا میباشد و همراه موج که قاب یا
 باشد بند و مفصل است یعنی اگر بایت لغزیده است
 اما آن موج و قلم در کوی محبوب می باشد حیرت دارم
 چرا لایحلی فرمودند و بسیار معنی آسانه است و درها

موزجیل

مخفف مورچال و آنه خندقی کوبک باشد
در المراف اردو بجهته حفظ شکل

نخچین

گفت یه بی بیانه نفعی چه نشته نفعی
بکوه بیبیان نفعه شریک حبه بیله نفعه حبه بیله
تد امینت نفعه بیله نفعه نفعه بیله
تد امینت نفعه بیله نفعه نفعه بیله
بی بیله نفعه نفعه نفعه نفعه
نفعه نفعه نفعه نفعه نفعه
نفعه نفعه نفعه نفعه نفعه
نفعه نفعه نفعه نفعه نفعه
نفعه نفعه نفعه نفعه نفعه
نفعه نفعه نفعه نفعه نفعه

موری

الکندریه

بزرگتر باغچه
گنایم نادره
باش مزاج وادست نمود
دریا- دیوان امیر گوید

جرم و سکنه لاردین اوتوب
کیلنورمه یوزکا قور قوتوب

لاله اگر ساق قوتوب لایسکه کر قیلدیه زانا

لایحه

منیر صوبه کاشغریه
لک لطف

...

...

...

موسیقیچه

برنده که باغها را اذیت رساند و نیز نام شخصی
 که نام مادر سه لاله بود لاله بر فرود که موسیقی
 باشد شراب دار است نمود بر فرود کشید
 در دنیا دیوانه امیر گوید

جرم و کینه لار دین او توب
 کیلتورمه یوزکا قور قوتوب

لاله اگر ساغر توتوب موسیقی کر قیلمیسه زنا

موسیقیفار

ساز است معروف و گویند برنزه که در فنکاران موسیقی
 بسیار دارد از آن را سوزن آوازهای کونا کونه
 می آید و موسیقی از آن ماضی است

موسیقی

موسیقی از آن است که در فنکاران موسیقی
 بسیار دارد از آن را سوزن آوازهای کونا کونه
 می آید و موسیقی از آن ماضی است

بسیار از آن را سوزن آوازهای کونا کونه

می آید و موسیقی از آن ماضی است

بسیار از آن را سوزن آوازهای کونا کونه

مَوْلَةٌ

بيني سرشته و مجنونه

مَوْلَةٌ

فانما القدر لا يمانع مني ولا غيره مني

ما لا يمانع مني ولا غيره مني

تساقطت مني ولا غيره مني

میرزا

انکه از طرف پدر شاهزاده باش

نام

عشق شکر

میرک

آنکه از طرف مادر شاهزاده باشد

ازین

مادر شاهزاده است

۷۹۴

تاریخ

شماره ۱۰۰۰ - ۱۰۰۰ - ۱۰۰۰

793

NUMBERED BLANK PAGES

808

804

NUMBERED BLANK PAGES

باب النون

ناجیح

بکسر جیم و سکون خا

تبریزیہ را گویند کہ عمدہ دست بگیرند

نارون

بيت دار المرز سيد زم

لن مشقه انت

نارون

نارون

لن نارون سيد زم

نارون سيد زم

نارین

درخت افارور زکی جید بید بسیار نرم را گویند
 لفظ مشترک است

نارین

نارین

نَاسِرَةٌ

بَيْنَ نَارِ لَيْلِجٍ

نَاسِرَةٌ

بَيْنَ نَارِ لَيْلِجٍ
نَاسِرَةٌ

ناوك

بعض تير ويز ناويم يعني خوب دراز ميايه خالي كه
 تير كوچك در آه گذشته اندازند

عنه

عنه

نال

صاحب اسطر نال و نالده

در امر و نیز چند شیر چاه من آواز

شاهان

آنگاه که مایل زار، چه زنی چه نازی، بر زلف

مخزنه تشنگ مایه صبا

ناموس

گوشت زنده شیرین و در وقت پران بویید است
 صاحب اسطوخودوس با طهر امر و نیز جبرئیل و عاذره
 در امر و نیز بیست شیر بفارسی آواز در وقت
 بیاید یکی در خوردن و زنده نماید بیست بیست و نه
 دارد و سن هم میدک لطف بویید در اینجا نمیا لعل
 در قیود است لعل در شب تا بپوشد تیرا و از کرامت
 برود بیاید بفراغت گذشته است و در کت و از غلظت
 و بکند از شفا هم ایکنه سارا کفایت است سینه بینه
 بسید کویکت بویید در بویید بیاید التماس
 بن زداسه گویند واقع شده چمن تیرا و از تلبک
 گذشته سنی است از سها هم بیاید بویید کن است
 گذشته است و منها

جان

جانان جان

نَبْتِاش

که در فرهاد شیریه در وصف بهرام بویه است
 لفظ فرود نباشی باشد بکسر فوه و سکون تان
 قرئت و بای ایجد بالف کشیده بجهن فوسه و فراغت
 میباشد اینکه فرودند وزنه ندارد همینه نیت وزنه
 دارد و معنی لهم میدهد لفظ بویه در اینجا اینجا لهم
 در تعریف است یعنی در شب تاریک تیراواز کمانه
 بروه بیاید بفراغت گذشته است و میگذرد از فلك
 و بگله از سها لهم اینکه سها گفته است سده ایت
 بسیار گویند و ریزه در پهلوی بنات النفس
 یعنی فرداسه گویند واقع شده یعنی تیراواز فلك
 گذشته سحل است از سها لهم بانه ریزه کی است
 گذشته است و منها

نَبْتِاش

کمانه تیراواز کمانه
 سها گفته است سده ایت

نتباس

بمعنى غوسه و فراغت و بي توبه

نتباس

بمعنى غوسه و فراغت و بي توبه

بمعنى غوسه و فراغت و بي توبه

بمعنى غوسه و فراغت و بي توبه

بمعنى غوسه و فراغت و بي توبه

بمعنى غوسه و فراغت و بي توبه

بمعنى غوسه و فراغت و بي توبه

بمعنى غوسه و فراغت و بي توبه

بمعنى غوسه و فراغت و بي توبه

بمعنى غوسه و فراغت و بي توبه

بمعنى غوسه و فراغت و بي توبه

بمعنى غوسه و فراغت و بي توبه

بمعنى غوسه و فراغت و بي توبه

بمعنى غوسه و فراغت و بي توبه

بمعنى غوسه و فراغت و بي توبه

نخل

زبور عمل و عطا یای بدو عومر بکسر اول دعوی

رسالت

مسلمت به نفاق مسند صد

باز

باز باز باز باز باز باز باز باز باز باز باز

NUMBERED BLANK PAGES

NUMBERED BLANK PAGES

سِف

نام شهر سبز که از اگسه و نخب لهم گویند

نم زرافت

نسقیات

ستاره بوزا و نیز سیاست و انتظام و افشاره
قوی از آن یاد تخم زراعت و نیز قوی آن
صورت استار افشار اولاد آدم هستند

نسقیات

نیز به بینه ملک از انبیا من و در

نسناس

جنس از خانواده کبریاک بامی جهند و نیز گویند
 قومی انداز یا بروج و ما بروج و نیز قومی اند
 بصورت انسانه اما از اولاد آدم نیستند

نسناس

مذکران در لفظ نسناس نیز آمده است

نسناس

نظاع و ان

پوستی مدبوذه که اورا می کسزاند

دملکت

دملکتی که در آنجا
دملکتی که در آنجا
دملکتی که در آنجا

نظایرِ خوان

دم کسه طربانه و فواننده کانه

ولف

تکلیف از امامت

تغز نَفِيرَش

نال کرده عام و نیز کره نای کوبک

نایضی القفا

نایضی القفا

نقش دوشیش

نقشه باشد که غالباً بحرف غالب آید

صفا من لا اله الا الله محمد رسول الله

نقش و صوت

از اصطلاحات الهی رقم است

شش و صد و شصت

در آیه الله بفرج بالذکر است

نهالی

بسی بستر

شاهنشاهی

شاهنشاهی

نوبت

مجال و فرمت

نوبت

مجال و فرمت

نیم ترک

بمعنی کلاه خود میباشد

نیم ترک

بمعنی کلاه خود میباشد

تاریخ
تالیف و تصانیف

NUMBERED BLANK PAGES

848

850

NUMBERED BLANK PAGES

باب الواو

والای

تاری نافه و نیز مرید کبود

وُثاق

بضه اول

بفاسه بنه

بفاسه فانه وسرا

وامال

بماله

بماله بنه

بوغالما

قائم عظیم بفاصلی بنک و کارزار افشار و کابل

کنندار در حال بقرا فرار با تصرف فرار

در فراسد میباشد

قالتم

تا و انصاف

السر انذ ما سید

باب الحما

طایفه عظیمی که در کوهستانه نواحی قندهار و کابل
 سکنا دارند مال بقره هزار یا نصفه نوار
 در فراسانه میباشد

لغوی

از لای لای کوهستان

تجربہ ہبلاخ

کہ در دست گذردن میباشد فقط قلمی در دست سبقتی
 کوش کتابت از کتب شیخ عظیم کوکا نوشته
 است مخطوط میباشد بلکه کوکا میباشد کاف اول و ثانی
 نماند است کاف ثالث بارسی است بعضی کوفی کرده
 سز میباشد بعضی مشق در کوفی قلمی آراسته بکند
 و نیز بیباستان اینک

کتاب اول

اولاً، لفظ اولی از حالت اول، کوفی است
 - اولی از کوفی، اولی، اولی، اولی، اولی
 مشابه حالت اول

هَجِير و بِيَلِيَا

که در سَنَد کندی میباشد لفظ هَجِير در موسیقی
 گوشه میباشد اینک در فرد بعد از هَجِير کوکا نوشته
 است غلط میباشد بلکه کوکا میباشد کاف اول و ثانی
 نازی است کاف ثالث پارس است بمعنی کوك کرده
 ساز میباشد بمعنی معنی در کوك هَجِير آراسته بکوه
 و نیز بیل یا مثل اینک

تعلیمیه

نقد و نظر بر آثار شیخان

هجر و بيليا

در سکنذری کوبید

مغنی اولوغ یئر نواسینی توز

هجر کوا بیلپا صداسینی توز

و فنا

بیلپا

دختره ییجه لقا شیب کیم سنلرته...

ننه لایم بیجان ایچمده...

کاله مکنه لالت بیل لایم...

کله کلک زنده تار...

کله ننه آییجه کلک...

کله ایله ایله...

هزارهنگ

بنیسه و حرکت را گویند از ترس خصم در دعوا
بیایه بهم رسد و نفس زند و نیز بمعنی
را گویند

لیلیه بیه

بیا...

بیا...

بیا...

بیا...

هفت اورنگ

هفت بیست و هفت

نیم

هفت و بیست و هفت
نیم و بیست و هفت
نیم و بیست و هفت

هفت خوان رستم

هفت عیب است که طی کرده

ناله و آینه

و به بند بید

مستأنان المختفہ

مستأنان المختفہ

NUMBERED BLANK PAGES

870

870

NUMBERED BLANK PAGES

هفتورنك

بنات النفسه كبرا

تلاوت عتقه

بها مستانند

میلالی قدح

بام همدلی باشد که گذشته

هوئی

صدا و آواز قلندرانہ

۵۶۸

توقیہ علیہ

تشیخہ علیہ

بِهَرَمَنَدَا

یام

رودخانه بزرگ است که از هوای قندهار گذرد

و به دریای کورستان میرسد

نخینه

ماده شکر است که

باب اليا

يام

بسم الله الرحمن الرحيم

اسب بباري که در منازل بسته شود

تتميمه

بسم الله الرحمن الرحيم

بِسْمِ

بِسْمِ بَهْمَانِه و نیز طرار

لِيَا اَبِي

قَوِي

بِسْمِ بَهْمَانِه و نیز طرار

تیمانه

طارانہ

تیمانه

طارانہ

یرنجوان

افسونگر و منجمه اوج کوبند

و منسوقند که باید که این است

تذکره

۱۱۱

پرنیان منقش

ز به بوسه باشد و سبزه که از او میجو کوبند

و جنس از جامه که بسیار لطیف است

ناله خیز

نیمه، لایه

یلنکینه

یک نوع پوشش باشد که از پوست بر ویلک ساخته

در روزهای پوشند و بر آب نیز اندازند

شقه ن لین

شقه ن لین از آب و خاک است

شقه ن لین از آب و خاک است

منهجنا

تأليفه الشريف الشيخ محمد باقر

صاحب المصنفات المشهورة

NUMBERED BLANK PAGES

892

NUMBERED BLANK PAGES

Perzsa O. 36.

Perasa. O.

36

PANSZAD U
HEST LUGAT